



فرهنگ عاشورا در افغانستان

حاج سید حسن احمدی نژاد بلخی



سروشناسه	- ۱۲۲۸	احمدی نژاد، سیدحسن
عنوان و نام پدیدآور		فرهنگ عاشورا در افغانستان/ تالیف سیدحسن
مشخصات نشر		احمدی نژادبلخی.
مشخصات ظاهری		قم: مجمع ذخائر اسلامی؛ مزار شریف؛ مرکز میراث فرهنگی
شابک		اهل بیت (ع)، ۱۳۹۴
وضعیت فهرست نویسی	۳۰۷ ص.	۹۷۸-۹۶۴-۹۸۸-۸۰-۴
موضوع		حسین بن علی (ع)، امام سوم، ۴ - ۶۱ ق -- سوگواریها
موضوع		عاشورا-- افغانستان
موضوع		عاشورا-- افغانستان -- شعایر و مراسم مذهبی
موضوع		سوگواری‌های اسلامی-- افغانستان-- تاریخ
شناسه افزوده		مجمع ذخائر اسلامی
ردہ بندی کنگره	/ ۱۳۹۴۲/۲۶۰BP:	۱۳۹۴۲/۲۶۰BP:
ردہ بندی دیوی	۷۴/۲۹۷:	۷۴/۲۹۷:
شماره کتابشناسی ملی	۴۰۰۹۰۱:	۴۰۰۹۰۱:



فرهنگ عاشورا در افغانستان

تألیف: سید حسن احمدی رژاد بلخی



نشر مجمع ذخایر اسلامی
با همکاری مرکز میراث فرهنگی اهل بیت(ع) مزار شریف

کلیه حقوق این اثر تحت قانون کپی رایت بوده و ترجمه یا چاپ تمام یا بخشی از مطالب آن و نیز درج تمام یا بخشی از آنها در ضمن بانکهای اطلاعاتی و تهیه برنامه‌های رایانه‌ای یا استفاده مطالب و تصاویر در اینترنت و دیگر ابزار و ادوات، به هر نحوی، بدون اجازه قبلی ناشر بصورت کتبی، من نوع می‌باشد.

©MAJMA AL-DAKAAIR AL-ISLAMYYAH ۲۰۱۶

All rights reserved No part of this book may be reproduced or translated in any form by print internet photo print microfilm CDs or any other means without written permission from the publisher



مجمع ذخایر اسلامی - قم، ایران
باهمکاری مرکز میراث فرهنگی اهل بیت (ع) - مزار شریف

فرهنگ عاشورا در افغانستان
مولف: حاج سید حسن احمدی نژاد بلخی

چاپ: هوشنگی / صحافی: نفیس

نشر: مجمع ذخایر اسلامی - قم

نوبت چاپ: اول - ۱۳۹۵ ش (۲۰۱۶ م)

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۹۸۸-۸۸۰-۴

مراکز پخش:

قم: خیابان طالقانی (آذر) - کوی ۲۳ - پلاک ۱ - مجمع ذخایر اسلامی

تلفن: ۰۹۱۲ ۲۵۲ ۴۳۳۵ + ۹۸ ۲۵۳ ۷۷۰ + ۹۸ ۲۵۳ ۷۷۱۳ - ۱۱۱۹

۷۷۲۵۰ ۵۵۳۱ - ۰۹۱۹۲۹۰ ۷۵۳۳

افغانستان مرکز میراث فرهنگی اهل بیت (ع) - مزار شریف: ۰۰ ۹۳۷۳۴ ۸۹۴۶۱

نشانی پایگاههای اینترنتی:

www.zakhair.net

www.mzi.ir

info@zakhair.net

info@mzi.ir

قیمت شومز: ۲۱.۰۰۰ تومان / جلد سخت: ۲۷.۰۰۰ تومان

سَمْعَانَ الْمُكَلَّبِ

فهرست مطالب:

عنوان	صفحه
دیباچه	۱۰
پیشگفتار	۱۳
فصل اول: پیشینه عزاداری بر اهل بیت پیامبر اسلام در افغانستان از (۱۲۵ ق-...)	۲۷
خراسان و عزاداری حسینی	۳۰
حضور امام رضا ^{علیه السلام} و هدایت عزاداری‌ها در ام القری خراسان (مردو) (۲۰۱ هجری)	۳۱
نقش شعرای اهل سنت در احیا عاشورا:	۳۳
گونه عزاداری در قرون نخستین اسلامی	۳۵
مورخان اهل سنت و گزارش عاشورا	۳۵
عزاداری رسمی شیعیان در عصر آل بویه (۴۴۷-۳۳۴ق)	۳۷
نخستین شاعران مرثیه سرای خراسان (قرن ۴-۹هـ.ق.)	۳۹
غزنویان و عزاداری سیدالشهدا ^{علیهم السلام}	۴۲
بلخیان و عزاداری سیدالشهدا ^{علیهم السلام}	۴۹
مجلس سوگواری علی بن الحسین غزنوی:	۵۰
عزاداری در خراسان و ماوراء النهر (۲۶۸-۹۱۱هـ.ق.)	۵۱
فصل دوم: عزاداری تیموریان در هرات مرکز خراسان (۹۱۱-۱۲۷۳هـ.ق.)	۵۵
كمال الدين ملاحسين واعظ كاشفي در هرات (م ۹۱۰)	۵۹
روضه خوانی فخرالدين على صفى كاشفي هروي (م ۹۳۹)	۶۲
پیشینه سنت منقبت خوانی و مداعی در افغانستان	۶۳

درخواست ایراد خطبه به نام دوازده امام.....	۶۵
نورالدین عبدالرحمان جامی (۸۸۹-۸۱۷).....	۶۶
دوران شاهrix و استمرار مراسم عزاداری در هرات.....	۶۹
روند عزاداری در حوزه خراسان پس از سقوط تیموریان تا قاجاریان(۹۱۱-۱۱۳۰ق).....	۷۲
عصر صفوی	۷۳
عصر قاجاریه و رواج تعزیه	۷۷
اهل سنت آسیای میانه و عزاداری سیدالشهداء ^{علیهم السلام}	۷۸
تداوم عزاداری در افغانستان (۱۳۳۰-۱۳۸۷ه.ش).....	۸۱
تاریخ عزاداری در میان هزاره ها	۸۳
عزاداری و سلطاطین افغانستان	۸۵
فصل سوم: استمرار فرهنگ عاشورا در میان کرسی نشینان کابل	۸۸
دستور العمل و وظایف دسته های عزاداری از طرف مسئولین امر در کابل ...	۹۴
۱- عاشورا تفکیک حق و باطل	۹۶
۲. امام حسین ^{علیه السلام} و سیره اهل بیت ^{علیهم السلام}	۱۰۲
۳. عاشورا پیام آور اتحاد و همبستگی	۱۰۶
[عاشررا اختصاص به یک مذهب ندارد]	۱۱۲
[فلسفه قیام]	۱۱۳
۴. طرد استبداد و حاکمیت قرآن از پیام های عاشورا	۱۱۳
۵. حراست از سنت پیامبر ^{علیه السلام} جوهر قیام امام حسین ^{علیه السلام}	۱۱۶
۶. کربلا میعاد گاه آرزوها	۱۲۱
فصل چهارم: فرهنگ، آداب و رسوم عزاداری در افغانستان	۱۲۷

۱۲۹.....	تعريف فرهنگ
۱۲۹.....	فرهنگ الفبایی عاشورا
۱۲۹.....	آ
۱۳۹.....	ب
۱۰۰.....	پ
۱۰۳.....	ت
۱۶۳.....	ج
۱۷۷.....	چ
۱۶۸.....	ح
۱۷۳.....	خ
۱۷۶.....	د
۱۸۶.....	ذ
۱۸۸.....	ر
۱۹۱.....	ز
۱۹۷.....	س
۲۲۰.....	ش
۲۲۴.....	ص
۲۲۴.....	ط
۲۲۵.....	ع
۲۳۸.....	غ
۲۴۲.....	ف
۲۴۴.....	ق

۲۴۹.....	ک
۲۶۶.....	گ
۲۷۱.....	ل
۲۷۳.....	م
۲۸۱.....	ن
۲۸۶.....	و
۲۹۰.....	ه
۲۹۷.....	منابع

بسمه تعالیٰ

دیباچه

محرم ۶۱ هـ گرچه در دنک و جانکاه بود ولی بیداری امت اسلامی را در طول تاریخ در پی داشت محروم و دریچه‌ای بود که از ملک به سوی ملکوت گشوده شد و امروز «شیعه» وارت راز و رمزهای است که خیل کثیری از ملل اسلامی از آن محروم‌اند. حادثه‌ای که محرومیت آل نبی را از طبیعی ترین حقوق و مزایای انسانی (حیات، زندگی، امنیت و...) محروم کرد، کوی به شهر به شهر، دره به دره آنان را به آوارگی، دربداری، مظلومیت، قتل و بالاخره بر سر دار کشاند.

هنوز که هنوز است قبیله قبله، محروم، آواره و سرگردان است. ایادی کفر و اذناب پیروان اهل بیت علیهم السلام را به جرم قیام علیه بیداد و ستم به محکمه می‌کشانند. اگر فرهنگ عاشورا نبود، دیگر تفسیری از «قل هوا الله احد»، «وحدانیت» و «معاد» نبود. قیام امام حسن علیه السلام، مفسر «کلمه توحید» و «توحید کلمه» گردید. عاشورا پیام-آور پیامبران برحق، از آدم تا خاتم است که همه بر اثبات توحید و نفی شرک می-کوشیدند. حادثه کربلا همه را در هر عصر و مصری در زیر لوای «منجی» واحد و حکومت جهانی «واحد» که در آن حقوق همه اقوام، طوایف و ملیت‌ها حفظ می-گردد، فرا می‌خواند. روزی که عقول به کمال می‌رسد مشکل امنیت، معاش و... حل می‌گردد و جامعه بشری به قله توحید و عدالت تکیه می‌زند. تجاوز، نفاق، بردگی، استعمار و... از جامعه بشری رخت بر می‌بنند. پس باید عاشورا و محرم را پاس داشت و از آل مُحرم و اصحاب عاشورا پیروی نمود که وعده خدا حق است زیرا که می‌فرماید: «و نرید ان نمن...»^۱

^۱. و زینب گونه دمشن را رسوا نمود. بقول شاعر: کربلا در کربلا می‌ماند اگر زینب نبود / سر نی در نینوا می‌ماند اگر زینب نبود.

فلسفه قیام سال ۶۱ هجری برای نفی شرک، برپای عدالت اجتماعی و دفاع از حقوق طبیعی انسان و انسانیت بود که آل سفیان تمام ارزش‌های انسانی و اسلامی ۲۳ سال نبوت و رسالت خاتم الاوصیا را به سخره گرفته بودند. و به نام اسلام بدترین جنایات و خودسری‌ها را انجام دادند. معروف را ترک و منکر را ترویج می‌نمودند. بدین لحاظ بود که قافله سالار کربلا فرمود: «و علی الاسلام سلام اذقد بلیت الامة برابع مثل یزید». بنابراین، فلسفه برپایی عاشورا و یادآوری فرهنگ بومی عاشورائیان در سراسر جهان زنده ساختن خاطره قتل عام فرزندان پیامبر(صلی الله علیه و آله و سلم) و احیای ارزش‌های دینی، ظلم ستیزی، عدالت‌خواهی و آزادی بشریت از اسارت خدایان زر و زور است. پس باید حسینانه قیام کرد.

تفسیر الفبایی محرم و عاشورا

محرم

میم: محرم یعنی محبت و دوست داشتن خدا و بندگان او.
حا: محرم یعنی حیات معنوی انسان، احیا حج ابراهیمی و حفظ میراث فرهنگی امت اسلامی.

ر: محرم یعنی رعایت حقوق دیگران، رهیافت به سوی خوبی‌ها، رهایی از پلشتهای

میم آخر: یعنی محرم و حسین محک و معیار خوبی‌ها و زشتی‌ها و
عاشورا

عین: یعنی عشق به خوبی‌ها، معاشقه با محبوب ابدی، عزت نفس، عزلت از دنیای مذموم و

الف: یعنی احساس مسئولیت، احیا ارزشها و امنیت مادی و معنوی برای بشریت.

شین: یعنی شور زندگی، شهادت، شهود، شکوه اسلام، شایسته سalarی و در

۱۲ مه فرهنگ عاشورا در افغانستان

پرتو اسلام ناب محمدی صلی الله علیه و آله و سلم..

و: یعنی وحدانیت، وحدت کلمه میان امتهای، ولایت صالحان، وحدت امت اسلامی در برابر کفر، استکبار جهانی و... .

و: یعنی رهبری امت در پرتو هدایت معصومان، رهیافت به سوی حق، رعایت عدل و دادگری و... .

الف آخر: یعنی ایمان به خدا، اتفاق در راه او، ایمان به هدف، ایمان به ولایت و زعامت امامان معصوم. کوتاه سخن اینکه، محرم احرام دیگر همراه با برائت از شرک، کفر و بتپرستی از نوع مدرنش.

نوشته‌ای که پیش رو دارید با تمام کاستی‌های که دارد اولین فرهنگِ واژه عاشورا در افغانستان است که پس از مدت‌ها تلاش و تحقیق میدانی و کتابخانه‌ای در داخل و خارج کشور تدوین گردیده است. نگارنده در حد توان خود اولین گام را برداشت. امید است پژوهشگران کشور کاستی‌های این نوشته را بعدها با دقت تمام و تلاش فراوان در کوی و بر زن کشور رفته، از سینه سوخته بازماندگان دوران ستم و ستمشاھی کنکاش نموده و به رشتۀ تحریر درآورند؛ زیرا که تاریخ و فرهنگ شیعیان مظلوم آن دیار با عاشورا گره خورده است.

والسلام عليکم

حاج سیدحسن احمدی نژاد

۹۳/۲/۵

پیشگفتار

تاریخچه افغانستان

افغانستان از جمله کشورهای اسلامی است که در غرب قاره آسیا و در قسمت شمال شرقی فلات ایران واقع شده است. از شمال به کشورهای آسیای میانه، از جنوب و شرق به پاکستان و از غرب به ایران محدود می‌شود و نیز از شمال شرقی، مرز کوتاهی با چین دارد.

در حدود ۶۵۰۰۰۰ کیلومتر مربع مساحت دارد. پایتخت آن کابل است. جمعیت افغانستان بنا به سرشماری جوزای ۱۳۶۰، بالغ بر ۱۶۰.۲۷۶۱ نفر با شمال ۵۹۰، ۶۳۲ نفر چادرنشین بوده است.

پس از تجاوز روسیه (۱۳۵۷)، خصوصاً در سالهای ۱۳۶۰، گروه کثیری از مردم افغانستان به کشورهای همچوار هجرت کردند و هم‌اکنون سه دهه و اندی است که بسیاری از مهاجرین در ایران، پاکستان و سایر کشورها بسر می‌برند.

اسلام در قرن هفت میلادی وارد افغانستان شد. آخرین کسانی که در افغانستان حاضر ۹۹٪ مردم این کشور مسلمان‌اند؛ از این عده حدود ۸۰٪ سنی و بقیه شیعه هستند. از این ۲۰٪، ۱۸٪ شیعیان امامیه و ۲٪ دیگران را پیروان فرقه اسماعیلیه تشکیل می‌دهند. مذهب اسماعیلیه حدود قرن پنجم هجری توسط ناصرخسرو قبادیانی وارد بدخشنان شد و محدودی نیز «علی الله»‌ای‌اند. سایر شیعیان این کشور را طوایف هزاره، قزلباش، کیانی‌های (سیستان و هرات) بعضی کوهستانی‌ها و بدخشی‌ها (قبایل غلچایی) تشکیل می‌دهند. گروهی از اهل سنت

افغانستان، ماه محرم را ماه «حسن و حسین» می‌نامند^۱ و به اهل‌بیت رسول خدا عشق می‌ورزند.

خاستگاه تشیع

غور تنها نقطه در فلات ایران و از محدود نقاط جهان اسلام است که اسلام و تشیع را هم‌زمان و با هم پذیرفته است. هرچند سپاه اسلام در زمان خلیفه دوم و سوم به خاطر کوهستانی بودن و راه‌های صعب‌العبور غور و غورات به تسخیر آن توفیق نیافتند و در مقابل اعراب مسلمان مقاومت ورزیدند ولی سلطان غور در زمان خلافت امیرالمؤمنین علی^{علی‌الله} (سال ۴۰ ه. ق.) با رضا و رغبت اسلام آورد و پرچم و منشوری از دست آن حضرت گرفت. جوزجانی مورخ دربار غوریان چنین گزارش می‌دهد:

و غالب نظر آن است که سلطان غور در عهد امیرالمؤمنین علی (کرم الله وجهه) ایمان آورد و از وی عهدی و لوای بستد و هر که از آن خاندان به تخت نشستندی، آن عهد و لوای علی بدو دادندی و محبت ائمه و اهل‌بیت مصطفی (صلی الله علیه و آله و سلم) در اعتقاد ایشان راسخ بود.^۲

مؤلف روضة الصفا می‌نویسد:

«مرکز شیعیان غور یا مسلمین غور از اولین تمرکز شیعه در بلاد غور بوده است زیرا بین سالهای ۳۵ تا ۴۰ هجری مسلمان شده‌اند. در زمان خلافت حضرت علی علیه السلام جعده بن هبیره مخزومی که خواهرزاده آن حضرت بود، از طرف وی به حکومت خراسان منصوب شد. بخاطر رفتار شایسته که جعده با مردم غور داشت، مردم از جان و دل شیفته ایشان شدند به نحوی که در زمان خلفای اموی لعن و

۱. دائرة المعارف تشیع / ۲۹۰ و ۲۹۱

۲. طبقات ناصری ، ص ۳۱۹ و ۳۲۰

سب علی علیہ السلام در منابر و مساجد رسمی جزء عبادت معرفی شد. ولی غوریان تنها مردم مسلمان در جهان اسلام بودند که از این عمل سر باز زده از دستورات خلفای اموی پیروی نکردند و در این باره شاعر دربار غوری فخرالدین مبارکشاه می‌سراید:

«به اسلام در هیچ منبر نماند
که بر وی خطیبی همی خطبه
نکردند لعنت به وجه صریح
که از دست آن ناکسان بود برون
نه در آشکار و نه اندر نهفت
از این جنس هرگز درآن کس
نرفت اندراآن لعنت خاندان
از این برهمه عالمش فخردان»^۱

همینطور تشیع در قندهار، غزنی، هرات، کابل، بلخ و جوزجان از سالهای ۹۸ تا ۲۰۰ هجری، سیر تکاملی و رشد خویش را پیش گرفت؛ به طوری که اباصلت هروی، فضل بن شاذان نیشاپوری، محمد بن فضل رخجی (قندهاری) و معروف کرخی جزو راویان و صحابة امام عسکری و امام رضا علیهم السلام محسوب می‌شدند.^۲ از کابل ابوخالد کابلی یکی از چهره‌های بسیار نورانی بود که در مدینه به محضر امام زین العابدین شرفیاب گردید و سالها از خرمن علومش بهره برد و جزو اصحاب سر حضرت گردید. بلخ و جوزجان از دیگر مراکز شیعی در خراسان محسوب می‌شد زیرا که این دو ناحیه سالهای ۱۲۱ تا ۱۲۵ هجری میزبان شخصیت والاتباری چون امامزاده یحیی بن زید بود و در بلخ در خانه فردی به نام جریش ماهها ماندگار گردید تا اینکه وی را دستگیر نمودند و به مرو بردنده و پس از آزادی از زندان مرو، قیامی بس بزرگ را در خراسان به راه انداخت و سرانجام در رمضان ۱۲۵ هجری،

۱. روضة الصفا ۹۶/۲. روضات الجنات فی اوصاف مدینة هرات ۳۵۵/۳۵۶. به نقل از تشیع در خراسان بی‌عهد تیموریان، داود ناصری / ۴۸.
۲. پیشین / ۳۰۶۷.

۱۶ مه فرهنگ عاشورا در افغانستان

در سرپل فعلی به شهادت رسید و قبرش مزار و مأمون دوستان آل علی^{علیهم السلام} شد.^۱

پیشینه آیین سوگواری در افغانستان و کشورهای مجاوره النهر

پتر چلکووسکی می‌نویسد: «نرشخی در تاریخ بخارا گزارش می‌دهد که در اهل بخارا بر کشنن سیاوش سرودهای عجیب است و مطربان آن سرودها را کین سیاوش گویند.»^۲

تردیدی وجود ندارد که این سرودها در اصل نوحه بوده‌اند؛ مردان بخارا در کشنن سیاوش نوحه‌ها گفته چنان‌که در همه ولایت‌ها معروف است و مطربان آن سرود را ساخته و می‌گویند و الان آن را «گریستن مغان» خوانند. در عبارت اخیر دقیقاً معلوم می‌دارد که نوعی آیین سوگواری در میان مغان، حداقل مغان سُعدی وجود داشت.

مسلمان نباید گفت که مصیبت امام حسین^{علیهم السلام} چنان‌که در تعزیه نشان داده شود همان بازآفرینی بُعد افسانه سیاوش است که در ایران باستان وجود داشته است ولی خاستگاه عزاداری و تعزیه را می‌توان از اساطیر بین‌النهرین، آناتولیایی و مصری نیز دریافت.

همو می‌نویسد: پس از بازگشت به مراجع تاریخی، لازم به یادآوری است که واژگان «تعزیه» یا «تعزیت» و «مجلس تعزیه» به طور کلی در زمینه سنن اجتماعی ادوار نخست اسلامی به معنی سوگواری یا گردهم‌آیی‌های سوگواری در مرگ افراد معمولی به کار برده نمی‌شد بلکه برای مراسم سوگواری عاشورا که عبارت از اظهار همدردی برای امام حسین^{علیهم السلام} بود به کار برده می‌شد. این سوگواری‌ها نخست در منازل شخصی و بعدها در اماکن عمومی اجرا می‌شدند. سرانجام واقعه کربلا به

۱. رک، آفتاب جوزجان تألیف نگارنده

۲. پتر چلکووسکی، تعزیه، ترجمه داود حاتمی ص ۱۳۰ و ۱۳۵

صورت یک تراژدی، مفهوم تازه یافت و به صورت یک نماد عدالت محوری و دشمن‌ستیزی در جوامع اسلامی و غیر اسلامی راه یافت. رفته رفته مراسم برپایی عاشورا در عالم اسلام به عنوان یک سنت که هم بار سیاسی و هم فرهنگی اجتماعی داشت همه ساله در زمان معین برپا می‌گردید».

برای نخستین بار سوگواری عاشورا به صورت رسمی در ۳۲۵ ه. ق. (۹۶۳ م)، به فرمان معزالدoleh دیلمی در بغداد معمول شد که نخستین مراسم عزاداری دسته جمعی نیز به حساب می‌آید.^۱

اهداف مراسم عزاداری در دوران آل بویه مخالفت با حاکمیت حکام جابر و مذهب غالب بود که پس از ده سال به عکس العمل سلفی‌های بغداد مواجه شد که گروهی از روی عناد در سال ۳۶۳ ه. ق. به یادبود جنگ جمل، دسته به راه انداختند؛ پیشاپیش دسته، زنی به نشانه عایشه و مردی در نقش زبیر و فرد دیگری در نقش طلحه سوار بر شتر بودند... که تا سال‌ها این حرکت جاهلانه و کورکورانه ادامه داشت. صاحب بن عباد وزیر معروف و شاعر دربار آل بویه علاقه‌ی خاصی به تبلیغ و ترویج سوگواری برای حسین علیهم السلام داشت. چکامه‌های چند در مدح و منقبت امام تصنیف نمود. بعدها حکام فاطمی مصر نیز سوگواری بر خاندان علی علیهم السلام را در مصر اشاعه دادند. سال‌های سلطنت معزالدین (۳۶۰ ه. ق) شیعیان مصری عاشورا را ایام ماتم و اندوه به حساب می‌آوردند و در آیین‌های سوگواری خود نوحه‌خوانی می‌کردند. در عهد صدارت افضل بن بدرالدین، در مسجد حسینی قاهره بوریاها فرش شد، شعرابر مصیبت جان‌کاه امام حسین علیهم السلام مرثیه سرودند که میان مردم با آه و ناله خوانده می‌شد.^۲

۱. همان ص ۱۳۹.

۲. همان / ۱۴۰ و ۱۴۱.

عزاداری در میان اهل سنت

ابوالقاسم محمود بن عمر زمخشیری (۴۶۷ ه. ق.)، یکی از آخرین متکلمان معروف، کتابی در پند و اندرز به نام «اطواف الذهب فی المواقع و الخطب» نوشته که در آن توضیح داده که بنا به سنن مذهبی، هر کس برای حسین علی‌الله بگردید، یقیناً در قیامت با او محسور خواهد شد. او می‌افزاید: «که هر کس در پیش خود بگردید و باعث گریه دیگران شود از خوبان است». یعنی زمخشیری زمینه نظری (تقلید) را مهیا ساخت و به عملی که از هر طریق موجب گریه گردد ارزش و اهمیت بخشدید. مقتل خوانی یا نقل توصیفی واقعه کربلا، از اسبابی است که از نظرات زمخشیری الهام یافت.

کار بی‌سابقه زمخشیری در ضمینه تشبیه در مقاتل‌نگاری و مقتل خوانی یا به دیگر سخن روضه‌خوانی، توسط دیگران دنبال شد. یکی از شاگردان او به نام ابوالمؤید موفق خوارزمی (۵۶۸ ه. ق.)، احادیث و قصص مذهبی وصف فضایل پیامبر (ص) و خاندان او را گردآوری و تدوین کرد. او حماسه‌نامه‌ای در وصف شهادت امام حسین نوشت.^۱

در عهد سلطنت سلطان حسین بایقرا در هرات، ملاحسین واعظ کاشفی (متوفی ۹۱۰ ه. ق.)، روضه الشهدا را به نگارش درآورد. او اولین مقتل به زبان فارسی بود و بعدها مقاتل دیگر به نگارش درآمد.^۲

اولین حکم معروف در مورد نمایش‌های مذهبی را میرزا ابوالقاسم فرزند حسن گیلانی، معروف به فاضل (متوفی ۱۲۳۱ ه. ق.)، که از محققان شیعه دوره قاجاریه بود صادر کرد.^۳ و همینطور آثار و فتاوای دیگری در مورد رسمیت یافتن تعزیه و

.۱. همان ۱۴۷.

.۲. همان ۱۴۸.

.۳. همان ص ۱۵۴.

سوگواری از طرف علماء و دانشمندان صادر شد که مجالی برای گزارش آنها در این نوشته وجود ندارد.

یکی از معروف‌ترین محققان مذهبی دربند در قفقاز، به نام ملا آقا، مؤلف کتاب «سعادات الناصریه» بود که اظهار عقیده می‌کرد: «روز عاشورا شب ندارد و هفتاد و دو ساعته است!»

نقل است که وی در روز عاشورا قمه‌زنی می‌کرد. ظاهراً او اولین و احتمالاً محقق مذهبی برجسته‌ای بود که این عمل را تشویق می‌کرد.^۱ شاید در این روزگار کمتر کسی باشد که چنین اعمالی را تشویق نماید. بلکه لازم و ضروری است از چنین اعمالی جداً جلوگیری گردد که نه به مصلحت اسلام است و نه مقبول عقلای عالم.

گزارشی از عزاداری عاشورای ۱۲۹۴ ه.ق. کابل

محمود طرزی از روشنفکران اواخر قرن سیزدهم هجری، یاد و خاطره عاشورای ۳۰ عقرب ۱۲۹۴ هجری کابل را این گونه گزارش می‌کند:

محبت اهل بیت یکی از اركان عمدۀ اسلامی

«... عاشورا در نزد مسلمین، به روز دهم ماه محرم الحرام اطلاق می‌شود، که در آن روز واقعه‌هائیست که هر فردی از افراد مسلمین را، از یوم وقوع آن تابه الان، داغدار الم داشته، و در صحیفه‌های تاریخ اسلام یک لکهٔ فجیعه بدنمایی به یادگار گذاشته است.

هیچ قوم، هیچ ملت، هیچ هیئت اجتماعیه، از امت ناجیه محمدیه(صلی الله علیه و آله و سلم)، نخواهد بود که به اهل بیت الامجاد حس محبت و احترام نه پروراند. محبت اهل بیت، یکی از اركان عمدۀ اسلامی شمرده می‌شود. محبت اهل بیت را در

۲۰ مه فرهنگ عاشورا در افغانستان

دل نداشتند به درجه بعض اصحاب رسول الله (صلی الله علیه و آله و سلم) را در دل کاشتن، گناه عظیم و وبال جسمی را در بر دارد. بنابراین چون در روز عاشورا، یعنی دهم محرم الحرام، مصادف با سال ۶۱ هجری، حضرت سیدالشهداء حسین ابن علی المرتضی رضی الله تعالی عنہما، که سبط رسول الله علیه و آله و سلم میباشد، با بسیاری از خاندان رسالت، به یک صورت فجیع و الم انگیزی؟؟ شهید گردیده‌اند، از این سبب امروز، این روز عاشورا، یعنی روز ماتم و مصیبت عمومی اهل اسلام شمرده می‌شود.

کیفیت وقوع این واقعه فجیع چون در کتب تاریخیه به تفصیل بیان شده است، و هر کس از آن خبر دارد، بتذکر آن در اینجا لزوم دیده نمی‌شود. مگر همین قدر گفته می‌شود، که این واقعه جان‌سوز در عالم اسلام، از بدترین واقعه‌های جان‌خراش، ال‌انگیز و فاجع‌ترین مصیبتهای دردآمیزی می‌باشد، که دیگر مثل و مانندی ندارد.

المصیبت افتراق

اما چیزی که در نظر ما اعظم مصیبتهای اکبر فلاتکت‌ها شمرده می‌شود، همانند انشقاق و افتراق و مbagضت و منافرتیست، که از نتیجه این واقعه اسفناک، در هیئت اجتماعیه اسلامیه پیش آمده است. این مصیبت افتراق، از چنان مصیبتهاییست که ارواح قدسیان را به لرزه می‌آورد بر ریشه شجره مقدسه اسلامیه، تیشه می‌زند، بنیاد قصر مشیده دین را به انهدام تقریب می‌دهد.

مدارج علویه و معارج قدسیه‌یی که برای آن بزرگان دین تهیه و آسان شده بود، اسباب یگانه آن بر همین جنایت‌های فجیعه که در کربلا پیش آمده بود موقوف بود. اراده اولیه سبحانیه، سیدالشهداء شدن آن ذات قدسی صفات را، بر طی نمودن همین مراحل بر خارزار آلام و اکدار این دارد نیای ناپایدار منوط داشته بود. هزاران حسرت و افسوس است، که از آن واقعه جان‌گذاز... عداوت و بعض ایرانی و

افغانی، یا ایرانی و عثمانی [بدید آمد]، چنان معلوم می‌شود که گویا حالا سر از نو تولد یافته باشد، حال آنکه، جهت قاتل و مقتول، نه ایرانی، نه افغانی، نه عثمانی بودند، بلکه از قوم و عنصر و جنس واحدی بودند، که به این‌ها هیچ جهت تعلقی نداشت. این است که در نظر ما اعظم‌ترین مصیبت‌ها و ادھشترين فلاتکت‌ها نتیجه یافتن همین بعض و عداوتیست که در ما بین هیئت اجتماعیه اسلامیه، و کتله دین مقدسه محمدیه علیه افضل الصلوٰه و اکمل التحیٰه به ظهور آمده است.

مایه اتحاد

این افتراق و انشقاق، رخنه‌های دهشت نمایست، که در قلعه متینه هیئت اجتماعیه اسلامیه پیدا شده، و از همین رخنه‌هاست که دشمنان حقيقی دین، به کمال موقفيت و کامیابی در میان آن قلعه زمینه، فرجه باب دخول گردیده است. نخستین ضربه افتراق که در وحدت اسلامیه زده شده، و یگانه حریبه انشقاق که وجود دین را از میان دو پاره کرده، همانا همین مسئله شیعی‌گری و سنی‌گری می‌باشد، حال آنکه در عصری که اسلام به فلاتکت‌های بسیار فجیعی گرفتار آمده است، از چنین افتراق‌ها و انشقاق‌ها، به جز ضرر و خسارت هیچ فایده و منفعتی حاصل نمی‌شود، لابد و ضروری است، که همه امت ناجیه، که به سلسله‌الذهب کلمه طیبه «لا اله الا الله محمد رسول الله» مربوط می‌باشند، اگر در شرق باشند و اگر در غرب از هر قوم و هر عنصری که باشند، به اختلافات فرعیه مذهبیه اهمیت نداده، ماده مهمه اتحاد اسلام را تشدید و تأیید نمایند.

دشمنان مشترک

اگر هزار بار بگویند، که من مسلمان ایرانی‌ام، آن دیگر مسلمان عثمانی، اگر صد بار بگویند من مسلمان افغانی‌ام، آن دیگر مسلمان هندی، اگر پنجاه بار بگویند که من مسلمان جاوه‌ائی‌ام، آن دیگر مسلمان چینی، اگر فریادها بکنند که من مسلمان

۲۲ مه فرهنگ عاشورا در افغانستان

مصری‌ام، آن دیگر مسلمان سراکوبی، اگر افغان‌ها بر آرند که من مسلمان ماوراء‌النهری‌ام آن دیگر مسلمان حجازی هیچ‌گاه دشمنان حقیقی اسلام و مسلمانی حواله سمع قبول نخواهند کرد...»^۱

تاریخ عزاداری

مؤلف کتاب «تاریخچه عزاداری حسینی از زمان آدم علیهم السلام تا زمان ما» می‌نویسد: «... از مهم‌ترین مراسم شیعه در افغانستان... مخصوصاً در زمان فرمانروائی طاهر ذو الیمنین قرن ۳ ه) در هرات [اجرا می‌شد] و بعضی وزرا شیعه افغانی [شرکت می‌کردند]، و این مجالس عزا [ی حسینی بود که] همیشه در شهرهای بزرگ افغانستان دایر بود... حسینی‌ها و زیارت‌گاه‌های مخصوص برای اقامه مجالس عزای حسینی و دسته‌های سوگواری بنا شده بود که از جمله آن‌ها مزار شریف است...»

شیعیان کابل قندھار و غزنی

نویسنده از تتمه البيان سید جمال‌الدین افغانی گزارش می‌دهد که: ... جز عشیره شیخ علی و جمشیدی بر مذهب شیعه است ولی از مذهب شیعه چیزی نمی‌داند جز محبت علی و برگزاری مجالس عزای پرسش حسین علیهم السلام در عاشورا با زدن زنجیر به سینه و پشت‌هایشان و هیچ یک از این قبیله از اظهار مذهبیان تقیه نمی‌کنند. با این‌که تقیه از واجبات مذهب شیعه است حتی اگر از مذهب یکی آنان سوال شود غلو می‌کند... و از طوایف که در شهرهای افغانستان موجود است طائفه شرفا (اولاد علی بن ابی طالب) است که در آن بلاد لقب (سید) دارند و بعضی از این طایفه در بشنگ اطراف قندھار و بعضی در ولایت (کنر)، (محل تولد نیاکان سید جمال) نزدیک جلال‌آباد و سایر جاه‌ها ساکن هستند... و شرفای کنر از زمان با بر شاه تا امروز از بزرگ‌منشی خالی نیستند و افغانی‌ها عموماً به این طایفه اعتقاد بسیار

دارند... طایفه قزلباش که در کابل غزنه و قندهار ساکن هستند... همه‌شان شیعه است مجلس عزای حسین بن علی ... را در دهه اول محرم برگزار می‌کنند... نقل کردند که برای اولین بار ولی‌عهد افغانستان و نخست وزیر و بقیه رجال بزرگ دولتی افغانستان در مراسم عزاداری که در محرم سنه ۱۳۹۳ هجری در کابل از طرف مهاجرین شیعه برگزار شده بود شرکت کرده بودند»^۱

شیعیان مناطق مرکزی

تاریخ عزاداری در بخش‌های مرکزی افغانستان از همان آغازین سال‌های شهادت امام حسین علی‌الله شروع گردید همانطور که خواندید مردم آن سامان هیچ‌گاه با آل سفیان همنوائی نداشتند و در سب علی علی‌الله محافل و مساجدشان را آلوده نکردند جزیه به حکومت اموی ندادند.

یکی از سران مجاهدین بلخاب می‌گفت: در چهل برج یکاولنگ که از باقی‌مانده‌ی آثار کهن تاریخی آن منطقه است نامه‌ای به دست آمده مبنی بر این که یزید (علیه اللعنه) در جنگ با امام حسین علی‌الله از آن ناحیه تقاضای کمک و سپاه نموده بود که در نهایت مورد بی‌توجهی اهالی قرار می‌گیرد و به هیچ وجه پاسخ خلیفه نالایق و جنایت‌کار اموی را نمی‌دهند.^۲

و از دیگر مؤیداتی که می‌توان بر محبت و علاقه‌ی آن مردم به خاندان پیامبر آورده وجود سدی است به نام «بند امیر» که در نزدیکی بت تاریخی بامیان قرار گرفته است و آن سد دارای هفت بند به نام‌های: «حیدره پنیرو...» می‌باشد که بیان‌گر پیشینه تاریخی محبت این دیار نسبت به خاندان پیامبر است.

گفته می‌شود این سد با دستور و یا با حضور امام علی علی‌الله احداث گردیده و

۱. شهرستانی، تاریخچه عزاداری حسین، ص ۲۲۳ ۲۲۹.

۲. سید حجت فاضلی بلخابی، تابستان ۱۳۸۱.

روزانه هزار نفر مشغول کار بوده‌اند که بدین جهت این طایفه را هزاره نامیده‌اند.^۱

آئین عزاداری در میان ازبک‌های شمال افغانستان

در اکثر ولایات شمال کشور رسم است که در ماتم جوان زنان لباس و چادر سفید به تن نموده و در عزای متوفی شرکت می‌نمایند و با خواندن ماتم نامه‌ی خود را در عزای مصیبت‌زده شریک می‌سازند.

به‌طوری که زنی کهن سالی در میان جمعی از زنان ماتم‌نامه ای را به صورت تراژدی غمناک می‌خواند و سایرین جمله «ای شاه حسن ای شاه حسین» را همنوا با هم با یک صدا تکرار می‌نمایند و با دست‌ها بر سر و سینه می‌زنند که اینک اصل ماتم‌نامه را که با زبان ازبکی سروده شده است می‌خوانیم:

قنى همراه دين	أتلى	قنى كورينگ همراه آتلی
اولوکىتى همراه	أتلى	«اي شاه حسن اى شاه حسین»
قنى بولسه اوغول	قىزى	بیران وقت تە قليسە يىغى
اذمشو نداغ همراه	اوzi	«اي شاه حسن اى شاه حسین»
يتيم قالدى انور	قىزى	آنە سى ياغ كورسە قىزى
هوكوزى بي ايه	قالدى	«اي شاه حسن اى شاه حسین»
اي كاش بولسه آته شوندە		برادر ياغ نىتى موندە
چاپو يورسە شونداغ كوندە		«اي شاه حسن اى شاه حسین»
ايشى تله اياد و ستله		رحم ايليه اياد و ستله
قيامت دور بلىنگ سيزلە		«اي شاه حسن اى شاه حسین»
همراه اوزى بيمرد ايدي		مردا پيچидеه بير درد ايدي

او پویاتر گور تور پاغی «ای شاه حسن ای شاه

سرود کودکان اهل سنت ولایت فاریاب و میمنه

سرود عامیانه (امه تا صمه تا) یکی از سرودهای است که در بین اطفال و نونهالان ولسوالی‌های ولایات فاریاب رایج است به طوری که پنج شش نفر طفل هم سن و سال حلقه تشکیل داده دستان خود را گرفته این سرود را با هم می‌خوانند و می‌رسانند که بخش‌های از ترجمه شده آن سرود که اشاره به نوباوگان فاطمه زهرا سلام الله علیها و علی مرتضی علیهم السلام دارد می‌خوانیم:

احمداء	در واژه ات	بلند	است	صدما	در واژه	از	بریشم	مرجانی	بتاییم	زلف	عوض	مرجان	بگذریم	قالین و گلیم را هموار کنیم	دروازه ات	در واژه ات	از
با هایم	کج	شد													تا که مهره ها را جمع کنم	مهره های گرد نم پاش شد	ابریشم
و به	آستانه	برسیم													با ل بدھید که پرواز کنم	با ل بدھید که پرواز کنم	دخت ران
ر خسار	سرخ	دارند													حسن و حسین جنگیدند	حسن و حسین جنگیدند	آستانه
به خون	غوطه ور	شدند													خون ایشان را که خورد	خون ایشان را که خورد	دخت ران
تازی های	ابلق	خورد													تازی ها کجا گریختند	تازی ها کجا گریختند	با ل بدھید که پرواز کنم
به خندق ها	گریختند														خندق از پایشان گرفت ۲	خندق از پایشان گرفت ۲	سرخ

۱. خلق دردانه لری، از ادبیات شفاهی اوزبکی با ترجمه دری ص ۲۹۹ ۲۰۱.

۲. پیشین ص ۲۰۵ ۲۰۶. (یادداشت‌های رمضان ۱۴۳۰ه. شهر شیرغان)